



رشته کار را باید به دلدار می سپردم

رشته کار را باید به دلدار می سپرد
قرار بر این شد که برای مصاحبه با جانبازان مازندران راهی ساری شوم.
یک هفته ای تا روز پرواز باقی مانده بود و در این مدت فکر و خیال هر
شعبه این بود که چه کنم تا گزارش های هفته نامه دفاع مقدس امسال
رنگ و بوی دیگری داشته باشد. روزها و شب ها گذشت تا این که روز
سفر فرا رسید و من بار بستم و راه در پیش گرفتم... ساعت حدود ۱۰
نوزدهم مرداد ماه بود که در فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد خود
به انتظار آمدن میثم (عکاس) را می کشیدم و هنوز تجربه
های شب های آمدن میثم (عکاس) را می کشیدم و هنوز تجربه
های شب های آمدن میثم (عکاس) را می کشیدم و هنوز تجربه

بود و انتظار آمدن میثم را دیدم. به ساری آمدم و دیدم که میثم در آنجا نشسته است. میثم را دیدم و به ساری آمدم و دیدم که میثم در آنجا نشسته است. میثم را دیدم و به ساری آمدم و دیدم که میثم در آنجا نشسته است.

[illegible]